



اتحاد فدائیان کمونیست

محکومیت قاطع ماشین ترور جمهوری اسلامی؛ علیه جنایت دولتی، تبنای الیگارشی اقلیم کردستان و توهام امپریالیستی

در امتداد تشدید فضای سرکوب و موج فزاینده‌ی اعدام‌ها در ایران، ماشین سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی، در تداوم فرافکنی بحران‌های عمیق و در هم‌تنیده‌ی ساختاری خود، بار دیگر جان پناهندگان سیاسی و پیشمرگان کرد ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق را نشانه گرفت. ما در سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، این اقدامات جنایتکارانه را که در سایه‌ی حملات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و تنش‌های نظامی میان بلوک‌های ارتجاعی شدت یافته است، با قاطعیت محکوم می‌کنیم.

وقایع روزهای اخیر، از جمله حمله به اردوگاه حزب دمکرات کردستان ایران در ۲۸ فروردین که به جان‌باختن ندا میری، سمیرا الله‌پاری و شاهین آذرپرزی انجامید، و همچنین حمله پهبادی ۲۶ فروردین به کمپ سازمان زحمتکشان در سورداش که منجر به مرگ تراژیک غزال مولان (پیشمرگ ۱۹ ساله) شد، تنها یک تراژدی انسانی نیست؛ بلکه برآیند خونین تقاطع منافع سرمایه‌داری حاکم بر ایران، فساد الیگارشی اقلیم و سیاست‌های ماجراجویانه و غیرمسئولانه‌ی رهبری احزاب اپوزیسیون است.

تحلیل انقلابی از این شرایط، ایجاب می‌کند که فراتر از محکومیت‌های صرفاً اخلاقی، به کالبدشکافی نقش تمامی بازیگران این عرصه بپردازیم:

کشته شدن تراژدیک و تلخ غزال مولان، ناشی از ترکش‌های پهباد جمهوری اسلامی هم زمان، آپارتاید درمانی و امنیتی نهادهای تحت کنترل «اتحادیه میهنی» و «پارت دمکرات کردستان عراق» را نیز آشکار می‌کند. عدم پذیرش یک مجروح جنگی در بیمارستان‌های سلیمانیه به بهانه‌های واهی «امنیتی»، پرده از چهره‌ی واقعی و مناسبات پنهان و پیدای احزاب حاکم در اقلیم کردستان با تهران برمی‌دارد.

الیگارشی حاکم بر اقلیم، که حیات اقتصادی خود را در گرو دلالی و وابستگی به هژمونی‌های منطقه‌ای می‌بیند، حقوق بنیادین انسانی و حتی کنوانسیون‌های بدیهی ژنو را قربانی توافقات امنیتی با جمهوری اسلامی کرده است. این احزاب که همواره از ناسیونالیسم کردی به عنوان ابزاری برای انباشت سرمایه بهره برده‌اند، نشان دادند که در بزنگاه‌ها، به راحتی به بازوی اجرایی و امنیتی جمهوری اسلامی برای حذف فیزیکی و زجرکش کردن مخالفان تبدیل می‌شوند.

در سوی دیگر این معادله، رویکرد رهبری احزاب کردی مستقر در اقلیم قرار دارد که نیازمند نقدی رادیکال و بی‌اغماض است. در شرایطی که منطقه به واسطه‌ی جنگ‌افروزی‌های مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران در آستانه‌ی یک ویرانی تمام‌عیار قرار گرفته است، بخش‌هایی از این احزاب با اتخاذ موضعی، آشکارا از حملات



نظامی اسرائیل و آمریکا حمایت کرده و به امید واهی «تغییر رژیم از بیرون»، با ماشین جنگی امپریالیسم و صهیونیسم همسو شدند.

این همسویی نه تنها خیانت به آرمان رهایی‌بخش توده‌های تحت ستم در ایران از جمله کردستان است، بلکه از منظر سازمانی نیز یک ورشکستگی تمام‌عیار محسوب می‌شود. اعلام آمادگی برای ورود به جنگ در کنار اسرائیل، به طور طبیعی اردوگاه‌های این احزاب را به سیل مستقیم حملات جمهوری اسلامی تبدیل کرده است؛ با این وجود، رهبری این جریان‌ها در اوج بی‌مسئولیتی، هیچ‌گونه تدبیر لجستیکی و حفاظتی برای انتقال اعضای بدنه، پیشمرگان و خانواده‌های آنان به مکان‌های امن اتخاذ نکرده‌اند. قربانی کردن جان جوانانی چون غزال، ندا، سمیرا و شاهین در کمپ‌های بی‌دفاع، بهای سنگین سیاست‌های ماجراجویانه و اتکا به قدرت‌های امپریالیستی است که رهبران این احزاب در حاشیه‌ی امن خود اتخاذ می‌کنند.

جمهوری اسلامی نمی‌تواند با صدور بحران و موشک باران کمپ‌های پناهندگی، از فروپاشی محتوم خود در برابر اراده‌ی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران بگریزد. اما تجربه نشان داده است که رهایی، نه از آسمان و توسط جنگنده‌های امپریالیستی حاصل می‌شود، و نه از طریق زد و بند با الیگارش‌های فاسد منطقه‌ای.

ما ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های جان‌باختگان اخیر و تمامی هم‌رزمان داغدارشان، تاکید می‌کنیم که تنها راه برون‌رفت از این چرخه خونین، فاصله‌گیری قاطع از هر دو قطب ارتجاعی (جمهوری اسلامی و محور امپریالیستی) است. توده‌های زحمتکش کردستان عراق و ایران باید با تکیه بر نیروی مستقل و همبستگی طبقاتی خود، هم ماشین جنگی جمهوری اسلامی را فلج کنند و هم نهادهای فاسد اقلیم را بابت همدستی در این جنایات پاسخگو سازند. هیچ نیروی خارجی و هیچ دولت سرمایه‌داری و امپریالیستی ناجی مردم تحت ستم نخواهد بود.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

29 فروردین 1405